



۹۶۶۳۳۰



دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی

گروه جامعه شناسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته جامعه شناسی

عنوان پایان نامه :

بررسی روش های سنتی حلّ منازعات قومی ناشی از قتل در بین عشایر

شهرستان ایذه : رسم خون بُری یا خون بس

نگارش :

ابوالقاسم نوروزی

استاد راهنما :

دکتر غلامرضا ارجمندی

استاد مشاور :

دکتر علی صفاری

تابستان ۸۶

۹۶۶۳۳

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۱

کتابخانه مرکزی
دانشگاه پیام نور

تقدیم به :

به پدر و مادرم، آنان که بزرگترین نعمت الهی برای من هستند و سالها با شکیبایی و سعه ی صدر همه ی سختی ها را تحمل فرمودند تا زمینه های تحصیل و کسب معرفت را برایم فراهم نمایند. دستشان را می بوسم و آرزومندم که خورشید پرفروغ وجودشان همواره تابنده باشد.

تقدیم به :

برادرم حیدرقلی نوروزی، نفس مطمئنه ای که در آغاز شباب از جبهه های شلمچه به معراج عشق و شهادت رفت و جسم خویش را در گلزار شهدای روستای راسفند (ایذه) به جای گذاشت.

تقدیر و تشکر

مَنّت خدای را عزوجلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. پس از حمد و سپاس خدایی را که یاریم داد تا این مهمّ را به انجام برسانم بر خود فرض می دانم که پیش از همه چیز از زحمت های سروران عزیز می که در این راه از هیچ کمکی دریغ نوزیدند، صمیمانه تشکر کنم.

زیباترین واژگان سپاس را از دیباچه ی معرفت به عاریت می گیرم تا خالصانه از الگوی اخلاق و تواضع استاد راهنمایم جناب آقای دکتر غلامرضا ارجمندی سپاسگزاری نمایم. سپس از بذل توجه، صبر، حوصله و محبّت استاد مشاور مهربان و دلسوزم جناب آقای دکتر علی صفاری با تمام وجود قدردانی می کنم و امیدوارم که در سایه ی توجهات استاد ازّل همواره سلامت و عزّتشان مستدام باد. انشاءالله.

به پاس تحمّل، شکیبایی و گذشت و مهربانی های همسرم، از ایشان خالصانه قدردانی می کنم. در اینجا بر خود لازم می دانم که از محبّت های برادران و خواهرانم و همچنین دوستان بسیار ارجمندم ایوب مردانی، علی صالح نوروزی، علی یار نوروزی، سیدمحمد رضاموسوی، بهمن حسینی، کامین عباسی پیانی، محمد کریم کیانی ده کیانی و علی احمدی که همواره مرا مورد لطف و محبّت خود قرار دادند صمیمانه سپاسگزاری نمایم و در نهایت از همه کسانی که مستقیم یا غیرمستقیم در انجام این اثر پژوهشی زحماتی را متحمّل شدند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

فصل اوّل : کلیات تحقیق

بخش اوّل :

۲----- مقدمه

۶----- بیان مسأله

۷----- اهداف تحقیق

۸----- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

بخش دوّم :

۱۳----- مشخصات جغرافیایی استان خوزستان

۱۳----- مشخصات جغرافیایی شهرستان ایذه

۱۶----- ناهمواری های استان خوزستان

۱۷----- ناهمواری های شهرستان ایذه

۱۸----- آب و هوای استان خوزستان

۱۹----- آب و هوای شهرستان ایذه

۲۰----- ساخت اجتماعی جمعیت در استان خوزستان

۲۰----- پراکندگی و تراکم جمعیت در استان خوزستان

۲۰----- دین و مذهب و اقلیت های مذهبی در استان خوزستان

- ۲۱ زبان و خط مردم خوزستان
- ۲۱ جمعیت ، دین و زبان در شهرستان ایذه
- ۲۳ اسامی شهرستان ایذه در گذرتاریخ
- ۲۳ سابقه تاریخی خوزستان
- ۲۴ سابقه تاریخی ایذه
- ۲۸ آثار تاریخی شهرستان ایذه
- ۲۹ ایذه و تقسیمات کشوری
- ۳۰ ساختار اجتماعی مردم ایذه
- ۳۴ طوایف ساکن در شهرستان ایذه

فصل دوم: سوابق تجربی و نظری موضوع

بخش اول :

- ۴۳ راهنمای آوانگاری تحقیق حاضر
- ۴۴ تعاریف اصطلاحات و واژه ها
- ۵۵ ادبیات تحقیق

بخش دوم :

- ۶۶ مبانی نظری

فصل سوّم : روش تحقیق

۷۴	بخش اوّل : فن تحقیق
۷۵	فن اسنادی
۷۵	فن مشاهده
۷۵	فن مصاحبه
۷۶	بخش دوّم : فرآیند انجام تحقیق
۷۶	محدودیت های تحقیق
۷۸	مدّت اجرای تحقیق

فصل چهارم : زمینه های خون بس و فرآیند های اجرای آن

بخش اوّل : خون بس و زمینه های آن

۸۰	تعریف خون بس
۸۲	عوامل ایجاد تشنج و اختلاف در جوامع عشایری

بخش دوّم : خون بس در نقاط مختلف کشور

۸۶	خون بس (فصل) در جامعه ی عشیره ای عرب خوزستان
۹۵	خون بس در عشایر بلوچ

بخش سوّم : خون بس و موارد اجرای آن در میان عشایر بختیاری شهرستان ایذه

۹۹	خون بس در بین عشایر بختیاری شهرستان ایذه
۱۰۰	آداب و مراسم خون بس در میان عشایر بختیاری شهرستان ایذه

صفحه	عنوان
۱۰۶	قسامه
۱۰۷	موارد اجرای خون بس در میان عشایر بختیاری شهرستان ایذه
۱۱۲	روابط درون ایلی و برون ایلی
۱۱۳	پیمان ها و قرار ها
۱۱۸	خون بها و کمک به خون داران
۱۱۹	کارکردهای حل اختلافات به وسیله ی خون بس
۱۲۲	دگرگونی در رسم خون بس
فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات	
۱۲۵	نتیجه گیری و پیشنهادات
منابع و مأخذ	
۱۳۱	فهرست کتاب ها
۱۳۸	فهرست سالنامه ها و آمارنامه ها
۱۳۸	فهرست نشریات
۱۳۸	فهرست پایان نامه ها.
ضمائم	
	ضمیمه شماره ۱
	ضمیمه شماره ۲
	چکیده انگلیسی

- نقشه ی شماره ۱-۱ . نقشه ی تقسیمات کشوری استان خوزستان ----- ۱۴
- نقشه ی شماره ۲-۱ . نقشه ی شهرستان ایذه ----- ۱۵
- نمودار شماره ۱-۱ . نمای کلی سازمان اجتماعی و سیاسی ایل بختیاری ----- ۳۱
- نمودار شماره ۲-۱ . سلسله مراتب میزان برخورداری از قدرت در طبقات اجتماعی ایل بختیاری ۳۲
- جدول شماره ۱-۱ . ساختار اجتماعی ایل بختیاری با تکیه بر شاخه ی هفت کنگ ----- ۳۳
- جدول شماره ۲-۱ . طوایف دینارانی باب : سعید (سهد) ، گورویی ، اورک و شالو ----- ۳۵
- جدول شماره ۳-۱ . طوایف بابادی باب : عالی محمودی ، نوروزی ، سرقلی ، بویری و کورکور ۳۶
- جدول شماره ۱-۲ . راهنمای آوانگاری ----- ۴۳
- جدول شماره ۲-۲ . تفاوت های جامعه ی بدوی و جامعه ی شهری از دیدگاه ابن خلدون ----- ۶۷
- جدول شماره ۲-۳ . تفاوت های گمین شافت و گزل شافت از دیدگاه تونیس ----- ۶۹

چکیده

در تحقیق حاضر به بررسی روش های سنتی حلّ منازعات قومی ناشی از قتل در بین عشایر بختیاری شهرستان ایذه : رسم خون بُری یا خون بس پرداخته شده است . جمعیت آماری مورد پژوهش عشایر بختیاری ساکن در شهرستان ایذه بوده اند . با توجه به ماهیت تحقیق مورد نظر از روش کیفی استفاده شده است . یافته های تحقیق نشان می دهد بسیاری از خانواده های جامعه ی عشایری شهرستان ایذه ترجیح می دهند منازعات ناشی از قتل را به وسیله ی خون بس فیصله دهند . به طور کلی در این تحقیق زمینه های خون بس و فرآیندهای اجرای آن مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل اوّل : کلیات تحقیق

بخش اوّل :

- مقدمه

- طرح مسأله

- اهمیّت و ضرورت تحقیق

- پرسش های تحقیق

بخش دوّم :

- مشقّصات جغرافیایی استان فوزستان

- مشقّصات جغرافیایی شهرستان ایزه

- ناهمواری های استان فوزستان

- ناهمواری های شهرستان ایزه

- آب و هوای استان فوزستان

- آب و هوای شهرستان ایزه

- ساخت اجتماعی جمعیت در استان فوزستان

- پراکندگی و تراکم جمعیت در استان فوزستان

- دین و مذهب و اقلیت های مذهبی در استان فوزستان

- زبان و قطّ مردم فوزستان

- جمعیت ، دین و زبان در شهرستان ایزه

- سابقه تاریخی فوزستان

- وجه تسمیه و سوابق تاریخی شهرستان ایزه

- آثار تاریخی شهرستان ایزه

- ایزه و تقسیمات کشوری

- ساختار اجتماعی مردم ایزه

- طوایف ساکن در شهرستان ایزه

این فصل شامل دو بخش می باشد که در بخش اول مقدمه، طرح مسأله، اهمیت و ضرورت تحقیق، اهداف تحقیق و پرسش های تحقیق مورد توجه قرار می گیرد و در بخش دوم مشخصات جغرافیایی، اجتماعی و تاریخی منطقه ی مورد پژوهش بیان می شود.

بخش اول :

مقدمه^۱

بعضی از اندیشمندان غربی مانند روستو^۲ (۱۹۵۳ م) و ژرژ فوستر^۳ (۱۹۶۲ م) و نل سملسر^۴ (۱۹۶۷ م) سنت ها را موانعی برای تحول و به ویژه توسعه « به معنای جامعه شناختی اقتصادی و اجتماعی آن » معرفی کرده اند و به عنوان مثال، روستو معتقد است که سنت تضاد اساسی با توسعه دارد و در حقیقت آنتی تز آن است همچنین ژرژ فوستر در تحلیلی در مورد "موانع دگرگونی های تکنولوژیکی" در فرهنگ سنتی به این موضوع اشاره کرده است. نل سملسر نیز روند نوسازی را به مثابه پلی قلمداد کرده است که باید شکاف ها و از هم گسستگی ها را در مرحله عبور از جامعه پیش صنعتی به صنعتی پُر کند اما چیئه ناکانه^۵ در کتاب خود تحت عنوان جامعه ی ژاپنی (ناکانه ۱۳۶۹) نظریه های توسعه و همچنین روندهای پیش بینی شده در آنها را لااقل در مورد جامعه ژاپنی نفی می کند و معتقد است که سنت های ژاپنی مانع توسعه نبوده اند. ژاپنی ها به جای این که خود را در همه ی وجوه زندگی به غربی ها شبیه سازند به غرب به عنوان یک رقیب توانا، قدرتمند و ثروتمند نگاه می کردند و معتقد بودند که باید با اخذ فناوری به رقابت با غربی ها بپردازند. به همین جهت هم بر سنت های گذشته ی ژاپنی تاکید ورزیدند و به رغم پیچیدگی های زیادی که در زبان و خط ژاپنی وجود داشت، آن را حفظ کردند. در نوع پوشش، و کردار نیز ژاپنی باقی ماندند و با شعار "ژاپن قدرتمند" بر آن شدند که کشور خویش را با صنعت جدید قدرتمند سازند. باید اشاره کرد که در توسعه و پیشرفت هم بایسته است که اصالت ها باقی بمانند و هم ابزارهای گسترش فراهم گردند و هم هسته ها و ریشه های باز دارنده از میان برداشته شوند.

-
1. Introductory
 2. W.W.ROSTOW
 3. GEORGE.M.FOTER
 4. NEIL.J.SMELSER
 5. CHIYE NAKANEH

بازخوانی فرهنگ یکی از ضرورت های دوران ماست. نزدیک به یک صد و پنجاه سال است که جامعه ی ما، از یک سو درگیر با سنت و مدرن مانده است و از سوی دیگر، به تقابل فرهنگ های خودی و غیر خودی گرفتار است و دوران بحرانی گذار خود را می گذراند. پس ناگزیر است برخورد آگاهانه و سنجیده ای با این درگیری و علل و عوامل آن داشته باشد. یعنی باید به بازخوانی همه جانبه ی فرهنگ، در چهارچوب به هم پیچیده ی روابط فرهنگی جهانی، و نقد سنت و معرفت تاریخی خود پردازد. چپستی خود را بشناسد. مبانی "هویت" یا "بی هویتی" و "موقعیت" خود را درک کند.

دوباره خواندن به این معناست که همه ی پندارها و گفتارها و رفتارها و روابط و شکل های نهادی شده را باید از دل این زندگی، جامعه، تاریخ، و به طور کلی فرهنگ بیرون کشید، و دوباره خواند. تا با درک مقدرات و محدودیت های خویش، بتوان از بنیادها و عارضه های بازدارنده فاصله گرفت. امکانات یاری دهنده را تقویت کرد.

ضرورت بازخوانی به ویژه از آن روست که نحوه ی برخورد "تاریخیت" وجودمان را با "معاصر بودن" وجودمان روشن می دارد. هم چنان که حدود تأثیر آن یک را بر این یک مشخص می کند. در این بازخوانی می توان دریافت که "گذشته" چه بوده است. چقدر و چگونه و به چه شیوه، و به یاری چه عواملی، و از طریق چه ساخت هایی بر ما تأثیر می گذارد، یا در هستی امروزمین مان جا خوش می کند، و مسلط می ماند. در نتیجه از "اکنون و اکنونی بودن" بازمان می دارد (مختاری، ۱۳۷۷).

پیداست که ماهیت و هویت "گذشته" ای که می خواهد برقرار و قدرتمند بماند و دست به ترکیبش نخورد، با این بازخوانی سر سازگاری ندارد. عادت ها و هنجارها و عادت کردگان به ساخت های ایستای کهن، که تجسم تاریخی این "گذشته" اند از این گونه بازخوانی شدیداً آکراه دارند. برای آنان برخورد انتقادی با فرهنگ سنتی خوشایند نیست.

سنت به طور کلی ترجیح می دهد که با توجه به پایه ها و مایه های ریشه دارش، بحران موجود را بر اساس ارزش ها و روش های خود حل کند. در حقیقت لمیدن دوباره یا همواره بر ارزش ها و عادت ها و هنجارهای تجربه شده را خوش می دارد، و پی می گیرد. همین امر نیز کشف قابلیت ها و استعدادهای سنتی همساز با اکنون را بسیار دشوار می کند.

جامعه ی ما نه تنها به مفهومی که در جوامع مدرن رخ داده، از گذشته ی خود نگسسته است، و سنت ها را نشکسته است، بلکه می توان گفت هنوز هم به رغم جنبش ها و انقلاب های مختلف، زیر آوار بسیاری از سنت های بازدارنده ی تاریخی خود له می شود. هنوز نتوانسته است برای رفع نیازهای اساسی خود به شکل سازمان یافته ی نهادهای مدتی و

دموکراتیک دست یابد. از این رو هنوز جامعه ای است درگیر با تاریخت " پیش مدرن " و البته غیر دموکراتیک خود، که زیر سلطه ی معیارها، هنجارها و ساخت های تاریخی معرفت، قدرت و حقیقت است.

سخن بر سر این است که باید شرایط توسعه و پیشرفت را در چهار چوب های اصیل و ماندگار جستجو کرد و سنت های کارآمد را باید پاس داشت. در این خصوص مدعا این نیست که تشکیلات دادگستری را برچینند و مشکلات جنائی و امنیتی را به وسیله ی خون بس یا مراسمی نظیر آن حل و فصل کنند، بلکه باید در بستر فرهنگ و با تکیه بر داده های فقهی و نگاهی به یافته های فراملی و شناخت بافت های نوین جامعه، نظامی کار آمد و پاسخگو به نیازهای اجتماعی پدید آید تا بتواند سرگردانی، دلسردی، معطلی و احساس کم عدالتی را از جامعه بر اندازد و این هم به آن معنا نیست که قوانین را حذف کنیم و بجای آن از عرف و سنت محلی بهره بگیریم در کشور ما قوانین را به نحوی باید تنظیم کرد که ضمن برخورداری از منابع فقهی مذهبی، منطقی و همچنین رعایت اندیشه های تربیتی و بازسازی انسانی و هماهنگی با حقوق جهانی و فطری بشری و فراملی با سنت ها و آداب اجتماعی فرهنگی نیز سازگار باشد و چنین کاری اگر خیلی هم سخت و توان فرسا باشد، نشدنی و غیر ممکن نیست.

ما جامعه ای داشته و داریم که به تدریج صورت و محتوای آن تطوّر پذیرفته است. مطالعه ی این جامعه از نظر قوم شناسی^۱ واجد اهمیت است جامعه عشایری با وجود دوری از شهر و شهرنشینی، دارای آداب و رسوم معناداری بوده است. بسیاری از پژوهشگرانی که با عملکرد های جامعه ی عشایری روبرو بوده اند پذیرفته اند که به هر شیوه این جامعه از فرهنگ خاصی برخوردار است گرایش به سر سختی، هدفمند و هدف دار بودن و جوانمردی و اعمال سخاوت، پایداری، احترام به عهد و میثاق، صداقت خلل ناپذیر، نهراسیدن از مشکلات، تن دادن به زندگی خشونت بار، اعاشه آزاد وار، هم پیمانی، همبستگی، اتحاد تبار خونی، حساسیت داشتن به سرنوشت افراد وابسته، نپذیرفتن زور و ستم، احترام به مقدّسات، بزرگداشت معمرین جامعه و رعایت حرمت زنان می توانند از مختصات فرهنگی جامعه عشایری باشند. در این پژوهش عشایر بختیاری شهرستان ایذه مورد بررسی قرار گرفته، کند و کاو در فرهنگ گذشته و کنونی بقایای این جامعه و بررسی آیین ها و مراسم های آن و شناخت نظام های ارزشی آن که متکی بر سنت های اخلاقی بوده است می تواند در رفع تنگنایهای رفتاری و دیگر مشکلات جامعه، به ما کمک کند.

هنگامی که برای اولین بار درس جامعه‌شناسی ایلات و عشایر را در مقطع کارشناسی می‌گذراندم در این اندیشه بودم که هر یافته‌ای که بر صفحه‌ی کاغذ نیاید زوال پذیر است و بیم آن می‌رود که با گسترش صنعت و فناوری و مشکلات گریبانگیر عشایر، فرهنگ، آداب و رسوم و ادبیات آنها دستخوش تغییر و دگرگونی شود و حتی بخش‌های قابل توجهی از این میراث گرانبها همراه با پیکر مردان و زنان ایل درون خاک سرد فراموشی مدفون شود، و این مرحله‌ی آغازی بود بر علاقمندی‌ام به بررسی رسم‌های عشایری.

پژوهشگر خود از عشایر ایل هفت‌لنگ بختیاری، باب‌دینارونی، طایفه‌ی نوروزی است و در میان آنها زندگی کرده، با آداب و رسوم، گویش و باورهای عشایر آشنایی کافی دارد. علاقمندی به انجام چنین پژوهشی مبتنی است بر بهره‌گیری از تجارب ریش‌سفیدان عشایر و صاحبان اندیشه و بهره‌جویی از گفتمان‌های متوالی مردان، زنان و افراد عادی عشایر.

خوشبختانه پس از انقلاب شکوهمند اسلامی پژوهندگان، نویسندگان و شعرای بختیاری به تحقیق، ترجمه، تألیف و سرودن اشعار زیبایی پرداخته‌اند و نسبت به چاپ و انتشار آثار خود اقدام کرده‌اند. این قبیل اقدامات و کارهای مشابه، کوششی است در راستای ارج نهادن به فرهنگ‌های بومی که نهایتاً به بها دادن فرهنگ ملی می‌انجامد. از آنجایی که پژوهش‌های چندانی در رابطه با بررسی روش‌های سنتی حل‌منازعات قومی ناشی از قتل در بین عشایر شهرستان ایذه صورت نگرفته است نگارنده امیدوار است که پژوهش حاضر بتواند مورد استفاده‌ی دانش‌پژوهان و محققان گرانقدر واقع شود.

بیان مسأله

در جوامع شهری، روستایی و عشایری شهرستان ایزه از افراد بومی به ندرت کسی یافت می شود که تبار و ریشه ایلاتی نداشته باشد و به همین دلیل گاهی مشاهده می شود که آثار منازعات عشایر در دورترین روستاها و تیره های چادر نشین موجب به هم ریختگی کوچه یا خیابان یا محله ای در شهر می شود که در آن کوچه یا محله ممکن است دو یا چند همسایه از دو ایل مخالف سکونت داشته باشند. نکته مهم تر این که اگر بین دو طایفه یا ایل اختلافات یا منازعاتی به علت وقوع قتل اتفاق بیفتد و امر به دادگستری ارجاع گردد و رأی نهایی صادر شود، منازعه و خصومت دو طایفه خاتمه پیدا نمی کند. حتی اگر اجرای حکم دادگاه به صورت قصاص، انواع دیه و یا زندان باشد. خصومت ها و کینه ورزی ها کماکان ادامه خواهد یافت مگر این که حل اختلاف به وسیله خون بس یا خون فصل محلی، حل و فصل گردد.

آیا خون بس حقوق اجتماعی، انسانی، مالی و شرعی طرفین منازعه را تضمین می کند؟ آیا عشایر شهرستان ایزه تمایل دارند که منازعات خویش را به وسیله ی خون بس حل و فصل کنند و یا این عمل را تحت تأثیر هنجارهای قومی و اجتماعی انجام می دهند؟ اصولاً چرا مردم از این رسم برای حل منازعات خود استفاده می کنند؟ رسم خون بس دارای چه پیامدهای مثبت و منفی در سطح جامعه است؟ شیوه های حل منازعات به شیوه ی مذکور تا چه اندازه با ساختار اجتماعی عشایر هماهنگ است و آیا پس از حل منازعات به شیوه ی خون بس، کدورت ها و خصومت ها از بین خواهند رفت یا به شکل دیگری خود را نشان خواهند داد. سؤالاتی از این قبیل از جمله پرسش های بی شماری است که پژوهشگر در پی پاسخ به آن هاست.

اهداف تحقیق:

پیشینه ی زندگی اجتماعی عشایر بختیاری شهرستان ایذه نشان می دهد که با وجود اعتقادات مذهبی و تبعیت از قوانین حقوقی، در مراجع قضائی همواره گروهی از مردم برخی از منازعات خود را تحت تاثیر رسم های قومی حل و فصل نموده اند و اکنون نیز مشاهده می شود که اجرای آن رسم ها کما بیش بر روال گذشته ادامه دارد .
در پژوهش حاضر هدف آن است که :

الف) پیوند رفتار های سنتی با ساخت های جدید اجتماعی روشن شود تا حدّ ممکن نقاط ضعف یا قوت (آثار مثبت و منفی) این شیوه ها در زندگی اجتماعی مشخص گردد.

ب) سنت ها و آیین های مرتبط با خون بس به عنوان میراث فرهنگی ثبت شوند تا در آینده مورد بررسی بیشتری قرار گیرند.

ج) شناخت باور ها و فرهنگ جامعه عشایری شهرستان ایذه و رابطه آن با حلّ منازعات به شیوه سنتی. مقایسه دو شیوه رفع منازعه قضائی و سنتی و بررسی پیامدهای مثبت و منفی آن ها.

سابقه و ضرورت انجام تحقیق :

تاریخچه خون بس در میان عشایر ساکن در شهرستان ایذه به گذشته بر می گردد که تا به امروز دوام آورده است، در مصاحبه هایی که به عنوان پژوهشگر با بعضی از ریش سفیدان محلی داشتم آنها بر این باور بودند که ریشه ی خون بس به عصر جاهلیت بر می گردد و توسط جد پیامبر (عبدالمطلب) تعیین شده است و ریشه ی آن در ماجرای ذبح پسر او (عبدالله) بود که خونبهایش صد شتر تعیین شده بود. شرح ماجرا به این صورت است : توفیق در حفر زمزم و پیدا شدن مجسمه دو آهوی طلایی و چند شمشیر که حارث بن مُضاض جرهمی به هنگام منازعه ی جرهمیان با خزاعیان و رفتن وی از مکه ، آنها را در کنار زمزم دفن کرده بود ، موجب اعتبار عبدالمطلب در میان قریش گردید. عبدالمطلب که در هنگام حفر زمزم نذر کرده بود که اگر خداوند به او ده پسر دهد ، یکی را قربانی کند ، مدتی بعد صاحب فرزندی به نام های زیر شد :

عبدالله (پدر حضرت محمد - ص -) ، عبد مناف (ابوطالب) ، زبیر ، عبدالکعبه (که مادرشان فاطمه دختر عمرو بن عائذ بن عمران بن مخزوم بود) ، عباس ، حمزه ، مَعْمُوم ، مُعْتَبِرَه (حَجَل) ، عَوَّام ، عبدالعزی (ابالهب) ، حارث ، قُتْم و نُوْفِل .

با پذیرفته شدن نذر عبدالمطلب و وقتی تعداد پسران وی به سیزده تن رسید ، او در اندیشه ی وفا به نذر خویش افتاد و مطابق سنت بت پرستان که برای قرعه کشی به تیرهای قرعه ی هُبَل مراجعه می کردند با تیرهای هُبَل ، به نام یکایک فرزندان قرعه زد و قرعه به نام عبدالله کوچک ترین و محبوب ترین پسرش در آمد. در این حال عبدالمطلب عبدالله را به سوی اساف و نائله دو بت دیگر قریش آورد تا قربانی کند. قریش چون این خبر را شنیدند به تکاپو افتادند و در نتیجه ی بحث ها و تأملات زیاد ، سرانجام قرار شد تا عبدالمطلب از زنی جادوگر که گفته اند جن هایی را در اختیار داشت و در خیبر زندگی می کرد ، مدد جوید. زن ساحره چون از ماجرا اطلاع یافت ، پیشنهاد کرد که عبدالمطلب میان عبدالله و ده شتر قرعه زند و اگر قرعه به نام عبدالله افتاد ، هر بار بر تعداد شتران ، ده عدد بیفزاید تا آن که سرانجام قرعه به نام شتران در آمده و عبدالله نجات یابد. عبدالمطلب پیشنهاد ساحره را پذیرفت و میان عبدالله و ده شتر قرعه زد ، اما تا تعداد شتران به صد نرسید، قرعه همچنان به نام عبدالله در می آمد. حتی وقتی میان صد شتر و عبدالله قرعه زده شد و نام شتران در آمد ، عبدالمطلب راضی نشد و این قرعه را سه بار تکرار کرد تا آن که هر سه بار قرعه به نام شتران افتاد و

عبدالمطلب راضی و خشنود گردید. (زرگری نژاد ، ۱۳۷۸) بعد ها با ظهور اسلام، پیامبر اسلام در امر خون بس تجدید نظر به عمل آورد ، مطابق فرمان خدا و دستور پیامبر در مواقعی که قتل به صورت عمدی یا ضرب و جرح موجب نقص عضو می گردید ، برای مجازات باید یا به همان نسبت از قاتل و ضارب قصاص به عمل آید یا در صورت توافق طرفین متخاصم از قاتل و یا ضارب جریمه ای شرعی و قانونی متناسب با زمان و مکان حادثه به عنوان دیه گرفته می شد و به ورثه مقتول یا به مضروب داده می شد، به این ترتیب وجود ماده "قصاص و تعزیر" مانع از کشتار بی رحمانه و یا نقص عضو افراد ضعیف و فقیر توسط افراد زور مدار و ثروتمند می گردید.

عبدالصالح اقبال از ریش سفیدان و کلانتران طایفه ی عالی محمودی ساکن در شهرستان ایذه در مصاحبه خود بر این باور بود که اگر جرم خیلی سنگین باشد مثل قتل و تجاوز، خون بس صورت می گیرد اما اگر نزاع بر سر دله دزدی و اختلافات جزئی باشد با پا در میانی ریش سفیدان غایله ختم می شود. همچنین ابوالحسن نوروزی از پژوهشگران بختیاری اظهار داشت افراد نمی توانند خود را جدا از طایفه بدانند، فرد جدا از طایفه به بازی گرفته نمی شود و تحت حمایت قرار نمی گیرد، به همین دلیل ناچار است ضوابط و قانون مندی های مورد علاقه طایفه را محترم بشمارد و پیوند خود را با گروه حفظ کند و مثل کسی که عضو یک حزب است حق عضویت پردازد، حق عضویت او شریک شدن در غم و شادی دیگران است، که به خصوص در آیین خون بس و پرداخت دیه و نظایر آن جلوه می کند ("دیه" برای زخمی ها یا مجروحین جنگی و "خون بها" برای قتل و جرایم سنگین است، در پرداخت دیه و خون بها بنا به مورد تمام اعضای طایفه یا تیره شرکت می کنند).

یوسف طهماسبی از ریش سفیدان و بزرگان طایفه ی سرقلی معتقد است که ریش سفیدان و رؤسای طوایف وابسته به قاتل یا مقتول، حلّ و فصل منازعه از طریق خون بس را تنها راه حلّ درگیری ها می دانند و بر این باور است که اکثریت مردم نیز بعد از مراجعه به دادگاه علاقمند به حلّ و فصل منازعه از طریق عشایری می باشند . ایشان خون بس را سنتی رواج یافته، و وجود آن را برای مردم منطقه ضروری می داند.

چند تن از بزرگان طایفه ی کورکور نیز بر این باور بودند که عشایر مانند گذشته از قواعد و رسوم سنتی مانند خون بس پیروی می کنند و افراد میانجی در خون بس نیز سعی می کنند که حقوق طرفین محفوظ شود. در پاسخ به این سؤال که چرا در خون بس عشایری، خانواده مقتول از خانواده ی قاتل، دختر یا دخترانی را انتخاب می کنند که به همسری

مردانی از خانواده مقتول در آورند اظهار می داشتند که برای ایجاد پیوند خویشی بین دو خانواده و رفع دشمنی های بعدی باید دختری یا دخترانی از خانواده ی مقتول به خانواده ی قاتل داده شود.

عبدالعلی خسروی از پژوهشگرانی است که در عرصه ی تاریخ بختیاری کتاب ها و مقالاتی را به رشته ی تحریر در آورده، بر این باور است که مطالعه ی رسم ها و سنت های جامعه ی عشایری را نباید از نظر دور داشت، چون از سویی نشانی است از قدمت فرهنگی جامعه و از سوی دیگر گواهی بر وابستگی عمیق مردم به باورها و رسم هایشان. ایشان اعتقاد داشتند که باید در رسم خون بس، اگر عناصر فرهنگی منفی ای وجود دارد آن ها را بزداییم و اگر عناصر مثبتی وجود دارد آن ها را تقویت کنیم.

در مصاحبه هایی که با ریش سفیدان طایفه ی اورک انجام دادم بر این باور بودند که در وضعیت موجود که در زندگی عشایری تغییراتی به وجود آمده روش خون بس همچنان مؤثر و لازم است. آن ها در پاسخ به این سؤال که هدف اصلی افراد میانجی در خون بس چیست ؟ اظهار می داشتند که میانجی ها سعی می کنند حقوق طرفین در خون بس محفوظ شود.

در مصاحبه هایی که با ریش سفیدان مطلع عشایر طایفه ی شهید (سعید) در منطقه ی سوسن شهرستان ایذه داشتم اظهار می داشتند که مردم عشایری به دلایل عدم آشنایی با قوانین و مراسم دادگاه ها و دست و پاگیر بودن تشریفات و مراسم محاکمه قضائی و همچنین اعتمادی که طرفین به میانجی ها و طوایف مداخله کننده دارند موجب شده است که عشایر برای حلّ و فصل نزاع از روش خون بس استفاده کنند. همچنین ریش سفیدان این طایفه اظهار می داشتند در شرایطی که نزاع خاتمه یابد از شرکت خود در حلّ و فصل منازعات ناشی از قتل احساس رضایت می کنیم و بیان می کردند که شرکت در رفع اختلافات و منازعات محلی چیزی جز قبول زحمت نیست و چون این کارها دارای اجر اخروی است تن به انجام این کار می دهیم و برخی نیز بر این باور بودند که شرکت در این کار برای ما موجب کسب حیثیت و اعتبار اجتماعی می شود.

درباره ی تاریخ پیدایش آئین فصل (خون بس در میان عشایر عرب خوزستان را فصل می گویند) چنین بیان می شود: «قبل از جاهلیت ، فردی به نام حارث بن عوف در یمن رئیس طوایف الحرب جزیره العرب بود. او مردی مقتدر و در عین حال مغرور بود . روزی به اطرافیانش اظهار نمود : «آیا کسی وجود دارد که از دخترش خواستگاری کنم و جواب رد بدهد.» به او گفتند : بلی. گفت : «او کیست ؟ » گفتند او حارث بن لام الطایی است . پس سواره نزد وی رفت و مغرورانه